

جلفا

علی فلسفی میاب

شهرستان جلفا از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که در ناحیه شمال غربی این استان واقع شده است. مرکز این شهرستان شهر جلفا است. این شهرستان از جنوب به شهرستان مرند و شهرستان ورزقان، از شرق به شهرستان کلیبر، از غرب به استان آذربایجان غربی و از شمال به جمهوری آذربایجان و ارمنستان محدود است. پزشکی سنتی منطقه جلفا ادامه و بخشی از پزشکی سنتی ایران است که در این مقاله قصد آن داریم به بررسی بخش کوچکی از آن بپردازیم.

داروهای گیاهی به تفکیک مناطق بررسی شده

نام داروهای گیاهی	هادیشههر	اشتیبین	گل فرج	داران	کمارعلیا	سیه رود	فولان	نوجه مهر
پولک		×						
آب عدس				×	×			
حصبه چاتدادان				×			×	
چای خشک	×							
بخور پونه	×				×			
ریشه چاتلاتقوش				×			×	×
کهلیک آتی								×
سنامکی	×							
برگ سیبزمینی	×							
سیر	×							
مغز پسته	دم کرده							
گل گاوزبان	×							

×			×					بذر پیروشا
×		×	×	×	×		×	یونجه
×								بذر پیروشا
	×							پوست درخت توت
					×			بذر خوجاباشی
								بذر دوتیکاتی
								مولک زی باخ
						×		قورد آتی
×								کاشیر
×	×	×	×	×	×	×	×	سیب زمینی
×								پوست سقز

جدول داروهای غیرگیاهی به تفکیک مناطق بررسی شده

نام دارو غیر گیاهی	هادیشهر	اشتیبین	گل فرج	داران	کمارعلیا	سیه رود	فولان	نوجه مهر
شیرالغ			×	×		×		
پوست ثورات آبله								×
آب کرم خاکی						×	×	
شربت عسل								×
شیر کیه قایار		×						
روغن حیوانی	×	×	×	×	×	×	×	×
دود سیگار	×	×	×	×	×	×	×	×
نمک		×		×	×		×	
سقز						×		
تریاک		×					×	
عطر		×					×	
شیرگاو								
روغن کرچک		×		×				×
صابون			×	×	×		×	
چای پررنگ								
زرده تخم مرغ	×	×					×	
کشک	×	×					×	

				×		×		کف صابون
×								پیشاب
								خاکستر پارچه نخی
	×							شیر زن دختر زاییده
	×			×				تفاله چای
		×						جوهر قرمز
		×						خامه شیر
							×	ماست
×								روغن

جدول داروهای ترکیبی

داروهای گیاهی	هادی شهر	اشتییین	گل فرج	داران	کمار علیا	سیه رود	قولان	توجه مهر
سریشم - روغن - نمک	×							
کنه - ماست	×	×	×	×	×	×	×	×
آرد + روغن		×						
یوم گیلان - کاگل ذرت	×							
پونه - آرد							×	
شیر زن دختر زاییده - قند - قمیز				×				
نان - شیر گاو					×			
خاکستر چوب - روغن						×		

علاوه بر مواد یادشده در جداول پیوستی از دیگر گیاهان دارویی منطقه می توان به موارد زیر اشاره کرد:
 کهلیک اُتی (kolik oti)، شیرین بیان، اُکیز دیلی (okiz dili)، چای اُتی (čâyoti)، گاوزبان، بنفشه،
 گَزری (gazari)، اَمَن کومجی (aman komagi)، چيله داغلی (čila dâli)، ختمی (xatmi)، ایت بورنی
 (it burni)، توک لیجه (tukliga) و ممه لی مستان (mamali mastân).

بیماری های روحی

در مناطق حوزه پژوهش مراجعه به دعانویس و گرفتن دعایی از وی از معمول ترین روش های درمان به

لحاظ جنبه‌های باوری و اعتقادی است که در ایام گذشته و بعضاً امروزه نیز متداول بوده و هست. معمولاً برای اینکه مشخص کنند بیمار از چه کسی یا چه چیزی ترسیده مقداری زاج در ظرف پر از آب می‌ریزند، با ذوب شدن آن اشکالی روی ظرف نقش می‌بندند، که بدین وسیله آن را به شخص یا حیوانی تشبیه کرده و دعانویس دعای مربوط را می‌نویسد. ضمناً در هادیشهر به بیمار آب‌قند خورانده یا مچ پای وی را داغ می‌زنند.

- در روستای اشتیبین نیز الکی را سه بار از بالای سر و زیر و زیر پای بیمار عبور می‌دهند.

بیماری‌های جسمی

آبله برای درمان این بیماری در روستاهای گل‌فرج و داران به بیمار مقداری شیر الاغ می‌خورانند. همچنین در گل‌فرج، قولان، و نوجه‌مهر در ایام قدیم اقدام به آبله‌کوبی به روش سنتی می‌کردند. این عمل را سلمانی‌های محل انجام می‌دادند. فرد سلمانی از قبل مقداری از پوسته جدا شده از محل زخم آبله فرد مبتلا را برداشته و نگه می‌داشت. بعد در صورت نیاز به آبله‌کوبی کمی از پوست فرد سالم را با تیغ یا نیشتر شکافته و پوسته (واکسن) آبله را در زیر آن جای می‌داد. در سایر مناطق بررسی شده درمانی در این خصوص ذکر نشد.

سرخک از جمله بیماری‌های پوستی است که حدوداً دوره بروز تا بهبودی آن ۹ روز طول می‌کشد. طوری که شخص مبتلا در سه روز اول تب و لرز داشته، در سه روز بعدی بثورات سرخک بیرون زده و در سه روز آخر بهبود می‌یابد. وجود تب، سرفه‌های تک‌تک آب‌ریزش از بینی و چشم، و عطسه در روزهای اول بیماری از جمله نشانه‌های این بیماری است. درمانی که در روستای اشتیبین برای این بیماری ذکر شد جوشانده ریشه گیاهی به نام پولک است که به بیمار می‌خورانند.

- در روستای گل‌فرج و داران خوردن شیر الاغ از روش‌های درمان این بیماری است. در کمارعلیا برای اینکه بثورات سرخک سریعاً خود را نشان داده و بیرون بیندازند مقداری عدس پخته و آبش را به بیمار می‌دهند. در سایر نقاط بررسی شده درمانی ذکر نشده است.

حصبه اگرچه علت و نحوه سرایت این بیماری عنوان نشده ولی وجود تب و لرز، دانه‌های قرمز بر سطح سینه و شکم، سردرد و خستگی از علائم آن است. به طوری که با فشار انگشت روی دانه‌های قرمز اثر آن از بین رفته بعد با برداشتن انگشت دوباره ظاهر می‌شود. در هر حال برای درمان بیماری حصبه در داران جوشانده گیاهی به نام حصبه چاتدادان (hasba čâtdâdan) می‌دهند.

- در کمار علیا شربت خاکشیر می‌دهند.

- در روستای سیه‌رود به بیمار حصبه‌ای، یا شیر الاغ می‌دهند یا مقداری کرم خاکی را له کرده و آبش را به وی می‌خورانند.

- در قولان جوشانده گیاهی به نام حصبه‌آئی داده و در نوجه‌مهر شربت عسل می‌خورانند.

مخملک از بیماری‌هایی است که با تب، پادرد، شکم‌درد و کم‌درد و... شروع می‌شود. در هادیشهر، گل‌فرج و داران بیمار را با آب شور استحمام می‌کنند.

- در اشتیبین بیمار را با شال و پارچه پشمی یا ابریشمی که در آب داخل ظرف مسین خیس کرده‌اند استحمام می‌کردند.

- در روستای قولان فرد را با شیء طلایی که در آب انداخته‌اند استحمام داده و پارچه سرخی بر روی بدن وی می‌اندازند.

زگیل برای درمان زگیل در شهر هادیشهر شیر گیاهی به نام قابار (qâbâr) در اشتیبین شیر گیاه سوتلیج (sutlija) و در سیه‌رود شیر حلقه‌دوز را روی زگیل می‌مالند.

- همچنین در روستای قولان مالیدن پوست مار روی زگیل از دیگر روش‌های درمان است. علاوه بر موارد یادشده مراجعه به دعانویس و گرفتن دعای مخصوص زگیل و نحوه چال کردن آن به دستور دعانویس از دیگر روش‌های معمول درمان است.

گوش درد ریختن مقداری روغن حیوانی ولرم و دمیدن دود سیگار در گوش از معمول‌ترین روش‌های درمان گوش درد است.

- علاوه بر این موارد در روستای گل‌فرج جو سیاهک‌دار را در روغن حیوانی تفت داده و در گوش می‌ریزند.

دندان درد در هادیشهر برای آبره دندان مقداری سریشم را با روغن و نمک ترکیب کرده و حرارت می‌دهند پس از اینکه پودر شد آن را روی ناحیه چرک می‌ریزند. گذاشتن مقداری چای خشک از دیگر روش‌های درمان در این شهر است.

- در اشتیبین نیز یا مقداری نمک روی دندان می‌ریزند یا بخور پونه به دهان و دندان می‌دهند.

- در سیه‌رود مقداری سقر روی دندان قرار می‌دهند.

- در سایر مناطق گذاشتن مقداری نمک روی دندان از روش‌های معمول درمان است.

- در نوجه‌مهر اگر دندان آبره می‌کرد مقداری پوست تازه ناحیه سر گوسفند روی صورت می‌گذاشتند.

- دست آخر در صورت بهبودی نیافتن، دندان را سلمانی با کلبتین می‌کشید.

سردرد بستن دور سر با دستمال و قرار دادن سر در معرض بخور پونه وحشی از معمول‌ترین روش‌های درمان سردرد در حوزه پژوهش است.

- همچنین در روستای گل‌فرج خون گرفتن از میان دو ابرو از روش‌های دیگر درمان است.

- در روستای داران مقداری از ریشه گیاهی به نام چاتان قوش (čâtlan guš) را جوشانده و می‌خورند.

یبوست نوشیدن دم‌کرده گیاهی به نام سنا (sanâ)^۱ در هادیشهر و داران از روش‌های درمان است. همچنین در هادیشهر مقداری پنبه را بر سر چوب کبریت پیچیده و پس از آغشته کردن به نفت از ناحیه مقعد شیاف می‌کردند تا رفع شود.

- در قولان نیز مقداری صابون شیاف می‌کردند.

۱. گیاهی غیربومی است.

در دیگر مناطق حوزه پژوهش خوردن مقداری روغن کرچک از دیگر روش‌های درمان و ملین کردن شکم برای رفع یبوست بود.

اسهال خوردن کته با ماست از معمول‌ترین روش‌های رفع اسهال در حوزه پژوهش است. - همچنین در هادیشه‌ر دم‌کرده برگ سیب‌زمینی، خوردن سیر یا مغز پسته از دیگر روش‌های درمان اسهال است.

- در اشتیبین و قولان خوردن چای پرننگ و کشک ساییده نیز برای درمان اسهال کاربرد دارد. در روستای داران نیز خوردن کمی دوغ، و در نوجه‌مهر مقداری بذر بیزوشا (bizošâ) یا بارهنگ در آب از روش‌های درمان است.

شاش‌بند برای رفع و درمان شاش‌بند در هادیشه‌ر و اشتیبین مقداری کف صابون وارد مجرای آلت تناسلی می‌کنند.

در کمار علیا به ناحیه مئانه و کیل شخص پوست بز می‌پیچند. یا او را در آب گرم می‌نشانند. در روستای سیه‌رود، قولان و نوجه‌مهر مقداری از موی بز را در آب جوشانده سپس به صورت گرم تا حدی که بدن را نسوزاند، روی مئانه و آلت قرار داده می‌شود. در دیگر مناطق بررسی‌شده درمانی ذکر نشده است.

خونریزی در صورتی که ناحیه از اعضای بدن شخصی با ابزار و آلات تیز بریده شود، برای جلوگیری از خونریزی و بندآوردن آن مقداری یونجه سبز جویده و روی محل بریده شده قرار می‌دهند. در روستای اشتیبین مقداری خاکستر پارچه نخی گذاشت یا کمی پیشاب روی آن می‌ریزند. در کمار علیا نیز مضافاً مقداری روغن و آرد را با یکدیگر ترکیب و روی ناحیه بریده شده می‌بندند.

- در نوجه‌مهر علاوه بر استفاده از یونجه جویده‌شده مقداری برگ بیزوشا روی بریدگی می‌بندند. یا شیر گیاه سوت تیکان (sut tikân) می‌ریزند. در روستای قولان پوست درخت توت را کنده و بخش لعاب‌دار و آبکی آن را روی بریدگی قرار می‌دهند.

خروسک تیغ زدن از ناحیه ملاج سر فرد مبتلا به خروسک به تعداد یکی دو ردیف عمودی از معمول‌ترین شیوه‌های درمان در ایام گذشته بود. در هادیشه‌ر نیز گوش‌های شخص را گرفته و بالا می‌کشند. همچنین در روستای کمار علیا دم‌کرده بارهنگ به بیمار می‌دهند.

بواسیر در هادیشه‌ر و سیه‌رود خوردن صمغی به نام مولکَ زیباخ (mulkaziya) از جمله روش‌های درمان بواسیر است. مضافاً در هادیشه‌ر در صورتی که بواسیر از مقعد بیرون نزده باشد شیاف کردن بذر گیاهی به نام کَوَر (kavar) از روش‌های دیگر درمان است.

- در اشتیبین فرد مبتلا به بواسیر در روی آجر گرم می‌نشیند در کمار علیا به جای آجر گرم شده از پشگل گرم‌شده گوسفند استفاده می‌شود.

- در گل فرج و داران به ترتیب خاری به نام خوجاباشی (xojâ bâši) و دوتیکانی (dava tikâni) را می‌خورند. در روستای قولان و نوجه‌مهر درمانی ذکر نشد.

کرم روده در روستای داران دم‌کرده گیاهی به نام قورد اُتی (gurd oti) می‌خورند.
- در نوجه‌مهر ساقهٔ اصلی گیاهی به نام کاشیر (kašir) را بریده پس از کندن پوست مربوط مغز آن را می‌خورند. در دیگر مناطق بررسی شده درمانی ذکر نشد.

گل‌مژه در هادیشهر برای درمان گل‌مژه مقداری آرد را با آب گرفته شده از پونه خمیر و روی گل‌مژه قرار می‌دهند، یا مرهمی از روغن حیوانی و آرد درست کرده و روی گل‌مژه می‌نهند.
- در اشتیبین زرده تخم‌مرغ را به هم زده و روی چشم می‌مالند.
- در گل فرج و نوجه‌مهر به چشم دیگر سرمه می‌کشند.
- در روستای داران مقداری پیشاب روی گل‌مژه می‌مالند.
- در روستای کمارعلیا مقداری شیر یا روغن را با آرد ترکیب و روی گل‌مژه می‌گذارند. یا خمیری از ترکیب قند و آب و آرد گندم تهیه کرده و بر موضع قرار می‌دهند.

درد چشم در هادیشهر دارویی به نام قمیز^۱ (Qamiz) روی چشم می‌گذاشتند.
- در اشتیبین و نوجه‌مهر مقداری از شیر زنی که دختر زاییده در چشم می‌ریزند. مضافاً در نوجه‌مهر سوره الم‌نشر را خوانده و بر چشم فوت می‌کنند.
- در داران مقداری پنبه را به شیر زن دختر زاییده آغشته کرده بعد همراه ترکیب خمیر قمیز با قند که کوبیده شده روی چشم می‌گذارند.
- در کمارعلیا مقداری نان را در شیر خیسانده و روی چشم قرار می‌دارند.
- در سیه‌رود مقداری جوهر معروف به جوهر قرمز روی چشم می‌ریختند.
- در قولان مرهمی از جوشانده پونه با آرد تهیه و روی چشم می‌گذاشتند. یا مقداری تفاله گرم چایی قرار می‌دادند.

سوختگی قرار دادن قاچی از سیب‌زمینی یا پورهٔ آن بر موضع سوخته شده، یا مالیدن مقداری روغن حیوانی از معمول‌ترین شیوه‌های درمان است.
- در روستای گل فرج نیز مقداری روغن کرچک می‌مالند.
- در نوجه هر علاوه بر مواد فوق خزه روی سنگ‌ها را تراشیده و پودر آن را روی سوختگی می‌پاشیدند. یا پوست درخت سقر را به سنگ یا چیز دیگری ساییده و آب به‌دست‌آمده را روی موضع می‌مالند.

حجامت کردن حجامت کردن که با عنوان حَجَم (hajam) شناخته می‌شود از جمله روش‌های درمانی برای ذات‌الریه یا جوش و بیرون کشیدن خون به اصطلاح بیس (کثیف) است که سابقاً در هم مناطق

۱. ترکیبات این دارو مشخص نشد.

حوزه پژوهش معمول بود. این کار را بیشتر زنان خبره یا سلمانی‌ها انجام می‌دادند. حجامت اغلب در اوایل فصل بهار فروردین به لحاظ اینکه خون غلیان پیدا کرده و به اصطلاح محلی به جوش می‌آید انجام می‌گیرد. برای این کار در حوزه پژوهش به شکل زیر عمل می‌شود.

ابتدا محل موردنظر روی کتف‌ها یا مابین کتف‌ها با ظرف سفالین شبیه دیزی کوپه (kupa) بادکش می‌انداختند. ابتدا مقداری نمک را داخل پارچه ریخته و آن را سفت می‌بستند، پس از آغشته کردن یک سر آن به نفت، روشن کرده، و سریع کوپه را وارونه روی آن می‌گذاشتند، در نتیجه ایجاد خلا همان ناحیه بالا آمده در نتیجه خون را به سطح پوست می‌کشید. در این موقع سلمانی یا زنان خبره با تیغ دلاکی محل موردنظر را چند شکاف جزئی و عمودی می‌دادند. در روستاهای گل‌فرج، قولان، نوجه‌مهر به جای استفاده از کوپه از شاخ گاو استفاده می‌شود. در این صورت شاخ را به محل موردنظر گذاشته و حجام شروع به مکیدن محل می‌کند تا خون را به سطح پوست بکشد.

زالو انداختن از دیگر روش‌های درمانی برای پادرد یا بیرون کشیدن خون اضافی و به اصطلاح کثیف بدن است که در اوایل فروردین یا اردیبهشت انجام می‌گرفت. معمولاً برای این کار زالو را در محلی از عضو قرار می‌دادند که درد داشت؛ در نتیجه زالو با پیدا کردن محل مذکور شروع به مکیدن خون می‌کرد این عمل را تا وقتی ادامه می‌داد که از خوردن خون سیر شده و بدین ترتیب از پوست جدا و خودبه‌خود می‌افتاد. اما در صورتی که شخص می‌خواست زودتر از موعد زالو را از بدن جدا کند مقداری نمک روی آن می‌ریخت.

کوفتگی در صورتی که عضوی از بدن خصوصاً مچ دست‌ها در اثر کار زیاد به خام افتاده باشد، برای التیام درد آن مقداری نمک یا خاکستر گرم کرده و روی محل می‌بندند.

- در اشتهیین و گل‌فرج دور مچ دست را با نخ‌های پشمی می‌بندند.
- در کمارعلیا خاکستر گرم را با مقداری شیر ترکیب کرده روی عضو می‌بستند.
- در سیه‌رود علاوه بر استفاده از خاکستر مقداری تفاله گرم چایی روی مچ می‌بستند.
- در قولان مقداری خاک نرم می‌بندند.

دررفتگی‌ها

دررفتگی شانه برای جا انداختن شانه معمولاً شکسته‌بند مقداری پارچه را به شکل گلوله توپی درآورده و زیربغل مصدوم قرار می‌دهد. بعد ضمن اینکه با یک دست خود بازوی مصدوم را گرفته با فشار دست دیگر گلوله پارچه را به سمت بالا حرکت می‌دهد. در مواقعی به جای استفاده از گلوله توپی از مشت بسته خود استفاده می‌کند.

آرنج شکسته‌بند معمولاً برای جا انداختن آرنج در حالی که دست مصدوم را به جلو می‌کشد، فشار انگشت شست دست دیگر به ناحیه صدمه دیده که به سمت داخل است عضو را در جای خود قرار می‌دهد.

دررفتگی مچ دست در صورتی که مچ دست در رفته باشد ابتدا شکسته‌بند ناحیه صدمه‌دیده را با روغن حیوانی یا نباتی مالش داده، سپس دست مصدوم را گرفته و آرام جلو می‌کشد. این در حالی است که یا خود شکسته‌بند یا فرد دیگری ناحیه در رفته مچ را به سمت مخالف می‌فشارد.

دررفتگی لگن برای جا انداختن لگن در رفته در صورتی که جای دررفتگی هنوز گرم باشد یک نفر کمر مصدوم و شخص دیگری پای وی را گرفته در حالی که مصدوم را از دو سو به ناحیه مخالف می‌کشند، شکسته‌بند با فشار دست خود ناحیه توپی لگن را به داخل هدایت می‌کند.

– همچنین برای جا انداختن لگن دررفته، چند روزی گاوی را تشنه نگه داشته، و هر از گاهی نیز مقداری نمک هم به حیوان می‌دادند. پس از یکی دو روز مصدوم را سوار بر حیوان کرده و از زیر شکم حیوان پاهای مصدوم را به یکدیگر می‌بستند، بعد حیوان را برای آب خوردن آزاد می‌گذاشتند. بدین ترتیب شکم حیوان بالا آمده و استخوان لگن در جای اولیه می‌افتاد.

کشکک زانو برای این کار ابتدا عضو را با روغن حیوانی یا نباتی مالش داده و نرم می‌کنند. سپس شکسته‌بند کشکک را در جهت عکس دررفتگی با فشار کف دست خود به جای اولیه هدایت می‌کند.

دررفتگی روی پا برای این کار شکسته‌بند پاشنه پای خود را روی ناحیه در رفته گذاشته سپس مصدوم را کول می‌گیرد یعنی ضمن اینکه با پاشنه خود به ناحیه صدمه‌دیده فشار وارد می‌کند. مصدوم را همزمان با همین عمل به سمت بالا بلند می‌کند.

دررفتگی مچ پا برای جا انداختن مچ پا یا ناحیه صدمه دیده را با کلافی پارچه‌ای بسته و به آرامی پارچه را پیچ داده و سفت می‌کنند. تا جایی که قوزک پا در جای خود افتد.

شکستگی‌ها

معمولاً شکستگی‌ها به دو دسته باز و بسته تقسیم می‌شود. در شکستگی‌های باز استخوان عضو شکسته معمولاً از گوشت بیرون می‌آید. در این صورت شکسته‌بند^۱ با کمک دست‌های خود عضو را گرفته به سمت خود می‌کشد تا قسمت شکسته شده را به هم تماس دهد. بعد مرهمی از ترکیب زرده تخم‌مرغ و عسل تهیه کرده و روی پارچه خام می‌کشد بعد عضو را با آن می‌بندد. اگر ناحیه‌ای از عضو زخمی شده روی آن باید باز باشد. سپس تعداد ۴ تکه چوب به عرض دو سانتی‌متر و طول بیست سانتی‌متر در چهار سوی عضو گذاشته و با پارچه بسته و ثابت می‌کند. معمولاً پس از ده روز عضو را برای بررسی مجدد باز می‌کنند. در صورتی که عضو رو به بهبودی رود ورم کرده و می‌خارد. نهایتاً عضو شکسته در مدت یک ماه بهبودی می‌یابد.

– نحوه بستن شکستگی‌های نوع بسته نیز به همان ترتیب است.

۱. بعضاً این اشخاص با نام اوستا (ustâ) هم شناخته می‌شود.

شکستگی دنده در صورتی که دنده‌های شخصی شکسته شده یا ترک بردارند. مصدوم را چند روزی وادار به دمیدن کوزه می‌کنند. تا شش‌ها با پر شدن اکسیژن دنده‌ها را بالا براند. بعد مقداری سقز را گرم کرده و روی پارچه خام - متقال آب نخورده - می‌کشند، تا مثل مشمع روی ناحیه شکسته شده بچسباند. با بهبودی ناحیه شکسته شده سقز نیز خودبه‌خود جدا می‌شود. امروزه اغلب از مشمع‌های طبی استفاده می‌شود.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

دلاک یا سلمانی مردی است که علاوه بر کار اصلاح موی سر و صورت در امر ختنه کردن و کشیدن دندان و حجامت نیز فعالیت می‌کرد.

ماما زنی است که در امورات مربوط به وضع حمل زنان یاری می‌رساند.

سینیقچی (siniqçi) شکسته‌بندی‌های محلی را می‌گویند.

بیلیجی (biliji) افراد خصوصاً زنانی را گویند که در شناخت بیماری‌ها و تجویز داروهای گیاهی خبره هستند. ضمناً در مواقعی کار حجامت کردن زنان را هم انجام می‌دادند.

ابزار و وسایل در طب سنتی

کوپه ظرفی است که برای بادکش انداختن به کار می‌رفت.

بوی‌نوز (buynuz) همان شاخ گاو است که مغز آن را خالی کرده و برای حجامت کردن به کار می‌رود.

ئولگوج (ulguj) عبارت است از تیغ دلاکی که برای ختنه کردن یا حجامت کردن به کار می‌رفت.

خام (xâm) عبارت است از پارچه‌ای از جنس متقال که آب ندیده باشد.

تخته عبارت است از تکه‌های کوچک تخته در اندازه ۲×۲۰ با ضخامت یک سانتی‌متر که مثل آتل در شکسته‌بندی استفاده می‌شود.

کلبتین انبری مخصوص کشیدن دندان است.

لولای (lolâ) تکه پارچه‌ای که داخل آن مقداری نمک گذاشته و بعد از روی آن یک سکه دو یا پنج ریالی قرار داده و با نخ پارچه می‌بندند. از این وسیله به هنگام بادکش انداختن با کوپه استفاده می‌شود.

قارقی (qârqi) عبارت است از نی سفت و سخت که برای ختنه کردن به کار می‌رفت.